

قاچاق مهاجر به مثابه تجارت: کندوکاو فرایند قاچاق مهاجران

اقتصادی از افغانستان به ایران

مطالعات جامعه‌شناختی

(علمی - پژوهشی)

دوره ۳۶، شماره یک: ۶۸-۳۹

شاپا ۲۸۰۹-۱۰۱۰

نمایه در ISC

عبداله محمدی^۱

دانش آموخته کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران

و دانشجوی مطالعات قومی و مهاجرتی دانشگاه لینگوینگ، سوئد

رسول صادقی^۲

دانشیار جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران و محقق مؤسسه مطالعات

و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور

پدیرش ۹۷/۱۲/۲۳

دریافت ۹۷/۲/۲۸

چکیده

قاچاق مهاجر یکی از پدیده‌هایی است که طی دهه‌های گذشته توجه بسیاری از سیاست‌گذاران و محققان را به خود جلب کرده است. با این حال، به دلیل محدودیت‌های روش‌شناختی و ماهیت غیرقانونی این پدیده نه تنها سنجش آن در بسیاری از موارد ناممکن است، بلکه تلاش‌های نظری برای تبیین آن نیز دشوار است. روش تحقیق مقاله حاضر کیفی بوده و داده‌های مورد نیاز از طریق مصاحبه عمیق با ۲۲ فرد قاچاقچی/قاچاق‌بر فعال در خاک افغانستان و همچنین مصاحبه با ۴۴ مهاجر اقتصادی قاچاق‌شده به ایران در دو ولایت نیمروز و هرات گردآوری شده است. نتایج پژوهش نشان داد فرایند قاچاق مهاجران به ایران در سه مرحله انجام می‌گیرد؛ در مرحله نخست، وظیفه اصلی قاچاق‌بران یافتن مشتری و سازمان‌دهی شرایط و وسایل سفر می‌باشد. همچنین، مهاجران معمولاً به دو شیوه قاچاق‌بران خود را پیدا می‌کنند: از طریق شبکه‌های فامیلی و دوستی یا رفتن به شهر زرنج که نقطه شروع مهاجرت‌های نامتعارف از افغانستان به سوی ایران است. در مرحله بعد، که مسیر مهاجرتی است، شبکه‌های قاچاق از شهر زرنج مهاجران را به سوی مرز پاکستان می‌برند و با عبور از مناطق تحت کنترل طالبان و ملیشا (شبه‌نظامیان غیردولتی) داخل خاک پاکستان می‌شوند و از آنجا با کمک شبکه‌های محلی از مرز ایران گذشته و به استان سیستان و بلوچستان وارد می‌شوند. پس از رسیدن به شهرهای مقصد در داخل ایران، تماس قاچاق‌بران با مهاجران قطع شده و ادغام آنها در جامعه مقصد توسط شبکه‌های فامیلی و دوستی مهاجران شکل می‌گیرد. در نتیجه‌گیری از مقاله می‌توان گفت که قاچاق مهاجر از افغانستان به ایران فرایندی سودآور، چند مرحله‌ای و پیچیده است که در سطوح مختلف و با بازیگرانی گوناگون شکل می‌گیرد. بعلاوه، در فرهنگ و جامعه افغانستان، مهاجرت غیرقانونی نوعی استراتژی بقاء بوده و در فرایند تحقق آن قاچاق‌بر نه تنها مجرم نبوده، بلکه به‌عنوان عامل نجات‌دهنده، از تصویر اجتماعی مثبت و منزلت اجتماعی برخوردارند.

واژگان کلیدی: قاچاق مهاجر، قاچاق‌بر، شبکه‌های قاچاق مهاجر، رویکرد تجاری، افغانستان.

۱ پست الکترونیکی: ab.puya@gmail.com

۲ پست الکترونیکی: rassadeghi@ut.ac.ir، (نویسنده مسئول)

مقدمه

یکی از ویژگی‌های برجسته دنیای کنونی، جابجایی بی‌سابقه انسان‌ها و مهاجرت آنها از محلی به محل دیگر است. این جابجایی‌ها به لحاظ نوع، انگیزه، بُعد و ترکیب مهاجران از تنوع چشمگیری برخوردار است، به نحوی که افراد با انگیزه‌های متفاوت در مسیرهای مختلف، قانونی یا غیرقانونی، به سوی مقاصد گوناگون به راه می‌افتند. برخی به دنبال فرصت‌های شغلی یا زندگی بهتر از کشورهای کمتر توسعه‌یافته به کشورهای توسعه‌یافته، به طور موقت یا دائم، مهاجرت می‌کنند؛ برخی برای فرار از تعقیب یا ترس از جان وطن خود را رها کرده و در کشوری دیگر پناه می‌جویند؛ برخی هم برای پیوستن به اعضای خانواده یا دوستان خود راهی سرزمینی دیگر می‌شوند. انگیزه هر چه که باشد، مقیاس این جابجایی‌ها به قدری بزرگ است که مدیریت مهاجرت به مسأله‌ای جدی در سیاستگذاری‌های دولت‌های فرستنده و پذیرنده مهاجر بدل گشته است. گذشته از این، تقاضای بالا برای مهاجرت‌های فرامرزی از یک سو و محدودیت در رفت و آمد فرامرزی از سوی دیگر بازاری را به وجود آورده که به شکل‌گیری صنعت مهاجرت منجر گشته است. در درون چنین ساختاری است که مهاجرت‌های غیرقانونی به شکلی آشکار سیاست‌ها و نظام‌های مدیریت مهاجرت را به چالش کشیده و اقتدار دولت‌ها را زیر سؤال می‌برد.

در سال‌های اخیر اتفاقاتی نظیر بهار عربی، بحران سوریه و دیگر ناآرامی‌های سیاسی در خاورمیانه و مناطق دیگر موج عظیمی از پناهنجویان را به سوی کشورهای همسایه و فراتر از آن به راه انداخت. بر اساس آمارها، حدود ۱/۳ میلیون در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ به کشورهای اروپایی درخواست پناهجویی دادند که در این میان، سوری‌ها و سپس افغانستانی‌ها بیشترین تعداد را داشتند (کمیسیون اروپا، ۲۰۱۷).^۱ اکثر این سفرها به صورت غیرقانونی و با کمک شبکه‌های قاچاق مهاجر صورت گرفته است.

مهاجرت، در اشکال قانونی و غیرقانونی آن، پدیده‌ای دیرپا و آشنا برای مردم افغانستان به شمار می‌رود. اینحال، مهاجرت اجباری توده‌ای^۲ پدیده‌ای است که در طول دهه‌های گذشته و با تجاوز شوروی به این کشور آغاز شد. با شکل‌گیری جبهه مقاومت با عنوان جهادی‌ها علیه

1 http://ec.europa.eu/eurostat/statistics-explained/index.php/Asylum_statistics

2 Mass forced migration

روس‌ها جنگ و ناامنی سراسر کشور را فرا گرفت. بسیاری از مردم عادی به کشورهای همسایه از جمله پاکستان و ایران پناهنده شدند. با خروج ارتش سرخ از افغانستان، اولین بازگشت بزرگ افغان‌ها به کشورشان آغاز شد اما طولی نکشید که وقوع جنگ داخلی به سبب کشمکش‌های درونی بین احزاب و طرف‌های درگیر در داخل کشور و خلأ قدرتی که به وجود آمده بود، موج جدیدی از آوارگان را خلق نمود (عباسی‌شوازی و صادقی، ۲۰۱۵). ظهور طالبان و سرکوب اقلیت‌های دینی و قومی در افغانستان سبب موج دیگری از مهاجرت‌های توده‌ای از کشور شد. با این حال، پس از سقوط طالبان و روی کار آمدن دولت جدید در سال ۲۰۰۲، مردم در داخل کشور و پناهندگان در خارج از کشور به بهبود اوضاع و برقراری صلح و امنیت با کمک جامعه بین‌المللی امیدوار شدند. از اینرو، بازگشت جمعی بزرگ دیگری در سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ رخ داد و حدود چهار میلیون افغانستانی به کشورشان بازگشتند (محمدی، عباسی‌شوازی و صادقی^۱، ۲۰۱۸). اما بدتر شدن وضعیت امنیتی و احیای طالبان پس از سال ۲۰۰۶ به کند شدن ناگهانی این بازگشت‌ها انجامید. از سال ۲۰۰۶ به بعد، هر سال وضعیت امنیتی بدتر و فرصت‌های شغلی محدودتر گشت و این وضعیت در سال ۲۰۱۴ به اوج خود رسید.

در چنین شرایطی، مهاجرت به مثابه یک استراتژی بقا محسوب شده و بسیاری از جوانان به فکر مهاجرت موقت یا دائم به کشورهای همسایه و دورتر افتادند. مهاجرت قانونی به خاطر عوامل سیاسی یا اقتصادی تنها برای عده‌ای محدود ممکن بود. از این‌رو، مهاجرت غیرقانونی گزینه ارجح در میان مردم افغانستان به شمار می‌رود. در این میان، شبکه‌های قاچاق مهاجر مدت‌هاست که بخش مهمی از فرایند مهاجرتی افغانستانی‌ها به شمار می‌رود (محمدی، نیمکار و سویج، ۲۰۱۹)^۲. با این وجود، تحقیقات چندانی در این حوزه صورت نگرفته است. غیرقانونی بودن فعالیت‌های این شبکه‌ها سبب می‌شود که سنجش مقیاس و بررسی ابعاد مختلف پدیده قاچاق مهاجر نه تنها در افغانستان، بلکه در تمام مناطق دیگر، امری بسیار دشوار گردد (مجیدی و دانزیگر^۳، ۲۰۱۶).

قاچاق مهاجر یکی از پدیده‌هایی است که طی دهه‌های گذشته توجه بسیاری از دولت‌ها، سیاست‌گذاران و محققان را به خود جلب کرده است. با این حال، به دلیل محدودیت‌های

1 Mohammadi, Abbasi-Shavazi and Sadeghi.

2 Mohammadi, Nimkar and Savage.

3 Majidi and Danziger

روش‌شناختی و ماهیت غیرقانونی این پدیده نه تنها سنجش ابعاد بین‌المللی آن در بسیاری از موارد ناممکن است، بلکه تلاش‌های نظری برای تبیین و توضیح آن با دشواری‌های بسیاری روبه‌رو است. رویکردهای نظری به پدیده قاچاق انسان در کل و قاچاق مهاجر به طور خاص، عمدتاً این پدیده را با عنوان «جرم سازمان‌یافته» تحلیل می‌کنند (سالت و اشتین^۱، ۱۹۹۷؛ بیلسن^۲، ۲۰۰۹) یا با چشم‌اندازی «بشردوستانه» بر سوءاستفاده از مهاجران توسط این شبکه‌ها تمرکز کرده‌اند (گالگر^۳، ۲۰۰۲). با این حال، تحقیقات جدید (برای مثال، ایکدویگو و توکتاس^۴؛ وایرینن^۵، ۲۰۰۳؛ مندیگ^۶، ۲۰۱۷) نشان می‌دهند که برخلاف تصور غالب، در اکثر نقاط دنیا، شبکه‌های قاچاق ماهیت بین‌المللی، سازمان‌یافتگی و سلسله‌مراتبی را که در نظریه‌های کلاسیک بدان ارجاع می‌دهند، ندارند برعکس، این شبکه‌ها بیشتر در سطح محلی و منطقه‌ای فعال‌اند و مقیاسی بین‌المللی ندارند. به علاوه، قاچاقچیان و مهاجران قاچاق‌شده ممکن است فعالیت «قاچاق مهاجر» را نه یک جرم، بلکه یک فعالیت ضروری و نوعی کمک به هم‌نوع تلقی کنند.

از آنجایی که پدیده قاچاق مهاجر در افغانستان طی چند دهه گذشته امری همیشگی بوده و شبکه‌های متعددی در این کشور فعالیت می‌کنند، این کشور بستر مناسبی را برای بررسی ماهیت و ابعاد مختلف پدیده قاچاق مهاجر و ارتباط آن با مهاجرت غیرقانونی فراهم می‌آورد. در این زمینه، این مقاله بر آن است که به کندوکاو پدیده قاچاق مهاجران اقتصادی افغانستانی به ایران توسط شبکه‌های قاچاق مهاجر بپردازد.

ملاحظات نظری و پیشینه پژوهش

پرداختن به موضوعاتی همچون مهاجرت نامتعارف و قاچاق مهاجر کار ساده‌ای نیست و محققان برای تحلیل نظری ابعاد مختلف این مسائل با مشکلات بسیاری روبه‌رو هستند. در خصوص قاچاق مهاجر، مشکلات عمده پیش‌روی محققان را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف) تعریف پدیده قاچاق مهاجر^۷: تا دهه ۱۹۹۰، تعریف مشخصی برای قاچاق مهاجر وجود نداشت. این امر تا حدی بدین خاطر بود که عموماً قاچاق مهاجر را تحت قاچاق انسان^۱

1 Salt and Stein

2 Bilecen

3 Gallagher

4 Icduygu and Toktas

5 Vayrynen

6 Mandic

7 Migrant smuggling

دسته‌بندی می‌کردند. گذشته از آن استفاده از مفهوم قاچاق^۲ در بسیاری از بسترها به معنای قاچاق کالا درک می‌شد. از همین رو، این دو مفهوم در موارد مختلف به اشتباه به جای یکدیگر به کار می‌رفتند و امروزه نیز در میان سیاستگذاران و محققان این امر مشاهده می‌شود بی‌آنکه تمایز حقوقی موجود بین این دو مفهوم در نظر گرفته شود (کوشر^۳، ۲۰۰۸: ۶۴). در اواسط دهه ۱۹۹۰ بود که بحث‌هایی بر سر تعریف قاچاق انسان، قاچاق مهاجر و دیگر مفاهیم مربوطه آغاز شد (سازمان بین‌المللی مهاجرت^۴، ۲۰۰۲). سازمان‌های مختلف تلاش کردند تا با تمایزگذاری بین این دو پدیده و ارائه تعاریف جدید، گام‌های جدیدی برای مقابله با آنها در حوزه سیاست‌گذاری بردارند (مثلاً سازمان ملل متحد^۵، ۲۰۰۰ الف و ۲۰۰۰ ب). در متداول‌ترین تعریف این دو پدیده چنین تعریف شده‌اند:

قاچاق انسان: استخدام، حمل و نقل، انتقال، پناه دادن یا پذیرفتن افراد، به وسیله تهدید یا استفاده از زور یا دیگر اشکال اجبار، اختطاف، جعل، فریب و سوءاستفاده از قدرت یا موقعیت آسیب‌پذیر یا سوءاستفاده از دادن یا گرفتن پول یا منفعت برای به دست آوردن رضایت یک فردی که بر دیگری کنترل دارد، به منظور استثمار (سازمان ملل متحد، ۲۰۰۰ ب، بند ۳).

قاچاق مهاجر: به دست آوردن منفعت مالی یا مادی به طور مستقیم یا غیرمستقیم از ورود غیرقانونی یک فرد به یک کشور دیگر که فرد مذکور تبعه یا مقیم دائم آن نیست سازمان (ملل متحد، ۲۰۰۰ الف، بند ۳).

بر این اساس، بین قاچاق انسان و قاچاق مهاجر تفاوت‌هایی وجود دارد. مثلاً استثمار و سوءاستفاده از افراد قاچاق‌شده بخشی جدایی‌ناپذیر از قاچاق انسان است در حالی که عبور از مرزهای بین‌المللی ضرورتاً لازم نیست (ایکدویگو و توکتاس، ۲۰۰۲). از آن سو، بالعکس، عبور از مرزهای بین‌المللی بخشی جدایی‌ناپذیر از قاچاق مهاجر است، اما استثمار و سوءاستفاده نه، گرچه در مواردی قاچاق مهاجر - به موجب استثمار و سوءاستفاده احتمالی - به قاچاق انسان منتهی می‌شود. به طور کلی، هدف اصلی قاچاق انسان استثمار و سوءاستفاده از افراد و کارشان تحت شرایطی خلاف حقوق بشر است. در حالی که هدف اصلی قاچاق مهاجر شاید تسهیل

1 Human trafficking

2 Smuggling

3. Koser

4 International Organization for Migration

5 United Nations

عبور غیرقانونی از مرزهای بین‌المللی باشد. با این حال، در بسیاری موارد همپوشانی‌هایی بین این دو تعریف وجود دارد چرا که امکان می‌رود به دلایل مختلف از مهاجران نیز در طول مسیر قاچاق سوءاستفاده شود (سالت، ۲۰۰۰).

ب) جمع‌آوری داده معتبر و کافی: ماهیت غیرقانونی و پنهانی قاچاق مهاجر سبب می‌شود بیشتر ارقام ذکر شده در مورد تعداد افراد قاچاق شده، مسیرها، هزینه‌ها، بُعد و ترکیب شبکه‌های قاچاق و غیره صرفاً برآوردهای حدسی و گمانی باشند. تنها داده‌های رسمی و قابل اعتناء مربوط به آمار دستگیرشدگان در پاسگاه‌ها و دادگاه‌ها و دیپورتی‌ها می‌باشد که البته اینها نیز خود ناقص هستند و بخش عظیمی را که از چشم مقامات دولتی پنهان مانده‌اند پوشش نمی‌دهد (سالت و اشتین، ۱۹۹۷؛ آنتونوپولوس و وینتردیگ^۱، ۲۰۰۶).

علیرغم تمام این دشواری‌ها، در سال‌های اخیر، محققان تلاش‌های بسیاری برای صورت‌بندی نظری این پدیده کرده و تلاش نموده‌اند با انجام تحقیقات میدانی ابعاد مختلف آن را روشن سازند. در رویکردهای سنتی به شبکه‌های قاچاق، مهاجرت بین‌المللی به مثابه رابطه‌ای بین فرد یا خانوار از یک سو (که با هدف اسکان دائمی یا کار مهاجرت می‌کند) و دولتی که به مانند دروازه‌بان عمل می‌کند، از سوی دیگر تصور می‌شد (سالت و اشتین، ۱۹۹۷). این نظریات چالش‌هایی را به دنبال داشتند از جمله اینکه مرز میان مهاجرت‌های متعارف و نامتعارف مبهم می‌ماند و میزان عاملیت فرد مهاجر (یا به عبارتی قدرت انتخاب در اینکه به کجا بروند) و دولت (اینکه چطور ورود و خروج و شرایط استخدام مهاجران را مدیریت نمایند) را نادیده می‌گرفت (همان). از همین رو، محققان برای پاسخ به این مشکلات به رویکردهای نظری جدیدی متوسل شدند. علیرغم دسته‌بندی‌های مختلفی که از این نظریات موجود است (مثلاً سالت، ۲۰۰۰ الف؛ ون لیمپت^۲، ۲۰۰۷؛ بیرد^۳، ۲۰۱۳)، جامع‌ترین دسته‌بندی را بیرد (۲۰۱۳) در مقاله خود با عنوان *رویکردهای نظری به قاچاق مهاجر ارائه می‌دهد. تقسیم‌بندی وی شامل شش دسته رویکرد می‌شود که در اینجا به طور مختصر بدان‌ها می‌پردازیم:*

۱. *رویکردهای سازمانی یا شبکه‌ای* که به طور خاص بر مدل‌های جرم‌شناختی استوارند: در این رویکردها، شبکه‌های قاچاق مهاجر بخشی از مسأله بزرگ‌تر جرایم سازمان‌یافته و اقتصاد

1 Antonopoulos and Winterdyk

2 Van Liempt

3 Baird

نامشروع جهانی تلقی می‌شود. در این نگرش، شبکه قاچاق مهاجر به عنوان یک (یا بخشی از یک) سازمان جنایی تلقی می‌شود که به طور نظام‌مند خارج از محدوده قانون عمل می‌نمایند تا اعضایش به حداکثر سود مالی یا مادی دست یابند (وایرین، ۲۰۰۳). این شبکه‌ها دارای ساختاری سلسله‌مراتبی و مافیایی هستند که در آن یک نفر یا گروه در رأس قرار دارند و تمام عملیات قاچاق مهاجران را مدیریت و نظارت می‌کنند. در این رویکرد، بر سازمان اجتماعی شبکه‌ها و نقش جرایم سازمان‌یافته تمرکز می‌شود. با این حال، تحقیقات جدیدتر (مثلاً وایرین، ۲۰۰۳) این رویکرد را زیر سؤال برده‌اند و می‌گویند که در برخی از موارد، چنین ساختار سلسله‌مراتبی در میان اعضای شبکه قاچاق مهاجر مشاهده نمی‌شود. در واقع، رابطه‌ها و نقش‌ها در سازمان اجتماعی شبکه‌ها بیشتر از آنکه عمودی باشد، به صورت افقی است (آنتونوپولوس و ویتتردیک، ۲۰۰۶؛ ارونویتز^۱، ۲۰۰۱؛ ژانگ^۲، ۲۰۰۸).

۲. مدل‌های مبتنی بر داده: این مدل‌ها به بررسی نحوه عبور مهاجران از مرز، احتمال دستگیری مهاجران نامتعارف توسط نیروهای مرزی و پلیس و نرخ بازداشت آنها می‌پردازند و قصد دارند جمعیت مهاجرت‌های نامتعارف و احتمال دستگیری آنها را برآورد کنند. تلاش عمده در این مدل‌ها آن است که تصویری از بُعد و ترکیب جریان‌های مهاجرتی نامتعارف که توسط شبکه‌های قاچاق جابجا می‌شوند به دست دهند. با این حال، این مدل‌ها نیز با نقدهایی روبه‌رو بوده است. یکی از مهمترین نقدها، به موجودیت و کیفیت داده‌ها مربوط می‌شود که پیش‌تر بدان پرداختیم (اسپنشید^۳ ۱۹۹۵ الف و ب؛ ماسی و سینگر^۴، ۱۹۹۵؛ وگل و دیگران^۵، ۲۰۱۱).

۳. مدل تجارت و صنعت مهاجرت: در این مدل، قاچاق‌بران به عنوان میانجی‌های مهمی در بستر بازارهای جهانی برای مهاجرت عمل می‌کنند. در این رویکردها، مدل تجاری مهاجرت از عمومیت خاصی برخوردار بوده است چرا که توجه خاصی را به پیچیدگی مهاجرت جهانی در سطوح مختلف با بازیگرانی گوناگون جلب می‌کند (هرمان^۶، ۲۰۰۶: ۱۹۵). همین سطوح مختلف، نهادها و بازیگران هستند که در یک مدل جهانی از مهاجرت در یکدیگر ادغام می‌شوند

1 Aronowitz

2 Zhang

3 Espenshade

4 Massey and Singer

5 Vogel et al

6 Herman

(از آنجایی که تحقیق حاضر مبتنی بر رویکرد تجاری مهاجرت است، در انتهای این بخش به طور مفصل بدان خواهیم پرداخت) (بیلگر، هافمن و جندل^۱، ۲۰۰۶؛ سالت و اشتین، ۲۰۰۷).

۴. رویکرد تطبیقی و ساختاری جهانی: این رویکردها به مقایسه بسترهای مختلف قاچاق مهاجر در طول زمان و مکان می‌پردازند. این رویکردها به طور عمده به نظریه‌های جهانی شدن استوارند و بر نقش‌ها و موضع‌های متمایز آن در درون و بیرون مناطق جغرافیایی مختلف تمرکز می‌کنند. (بیرد، ۲۰۱۳). در این رویکرد، پدیده قاچاق مهاجر دارای مقیاس جهانی چشمگیری است و قاچاق مهاجر محصولی از عوامل سیاسی، اقتصادی، حقوقی و اجتماعی است که در طول زمان و مکان فرق می‌کند و اینگونه می‌توان آن را در بسترهای مختلف مقایسه کرد (کایل و کاسلوسکی^۲، ۲۰۰۱). با این حال، این رویکردها مشکلات بسیاری دارند. مثلاً داده‌های به دست آمده در این رویکردها چندان قابل مقایسه نیستند. گذشته از آنکه، این مقایسه‌ها عمدتاً در سطح خرد می‌باشند و سطوح کلان را نادیده می‌گیرند. همچنین گرچه تناقض‌های «جهانی شدن» را در ارتباط با مهاجرت نامتعارف برجسته می‌سازند، اما به این واقعیت توجهی نمی‌کنند که خود مهاجرت نامتعارف و قاچاق مهاجران محصولی از جهانی شدن هستند (بیرد، ۲۰۱۳؛ کایل و کاسلوسکی، ۲۰۰۱؛ کایل و لیانگ^۳، ۲۰۰۱).

۵. رویکرد حقوق بشری: آزادی تحرک و جابجایی یکی از ارکان حقوق بشر است اما بر مبنای آنچه امروزه در نظام بین‌المللی دنیا مشاهده می‌شود، برخی از مردم می‌توانند اجازه لازم برای مهاجرت از کشوری به کشوری دیگر را کسب کنند، در حالی که بقیه از این حق محروم‌اند. بر مبنای رویکردهای حقوق بشری، بحث کنترل و مدیریت جهانی مهاجرت سبب بوجود آمدن صنعت تسهیل مهاجرت (شامل خدماتی که قاچاقبران به مهاجران می‌دهند) و کنترل (شامل تلاش‌های نهادی و دولتی برای مدیریت جابجایی‌ها) شده است. به علاوه، شرایط مهاجران در مسیر راه و حمایت مورد نیاز از آنها از بحث‌های اصلی در این رویکردهاست. بسیاری از مهاجران از زمانی که خود را به شبکه‌های قاچاق می‌سپارند ممکن است با سوءاستفاده‌های بسیاری روبه‌رو شوند به طوری که در برخی موارد به مرگ آنها بیانجامد. در

1 Bilger, Hofmann and Jandl

2 Kyle and Koslowski

3 Kyle and Liang

چنین وضعیتی، دولت‌ها به لحاظ اخلاقی چه مسئولیتی در برابر مهاجران قاچاق‌شده دارند؟ دولت‌ها چگونه باید با مسئله قاچاق مهاجر به مثابه جرم برخورد کنند به طوری که حقوق بشر مهاجران زیر پا گذاشته نشود؟ با توجه به واکنش‌ها و اقدامات دولتی نسبت به شبکه‌های قاچاق، حق به پناهجویی و ناگزیری افراد برای جابجایی چگونه توجیه می‌شود؟ اینها سؤالاتی است که رویکردهای حقوق بشری تلاش دارند پاسخی برای‌شان بیابند (برای مطالعه بیشتر ر.ک: بهابا^۱، ۲۰۰۵؛ بrolan^۲، ۲۰۰۲؛ گالاگر^۳، ۲۰۰۱؛ موریسون و کراسلند^۴، ۲۰۰۱).

۶. رویکردهای جنسیتی: زنانه‌شدن فزاینده جریان‌های مهاجرتی در سال‌های اخیر و محدودیت‌های وضع‌شده بر جابجایی افراد و تلاش‌های شبکه‌های قاچاق برای غلبه بر این محدودیت، همگی سبب شده است که نگرش نسبت به عاملیت فرد مهاجر و ساختار شبکه‌های قاچاق دگرگون گردد و مفاهیم جنسیت و مهاجرت مورد بررسی قرار بگیرند. در این رویکردها، جنسیت مستقیماً به بحث‌های مربوط به قاچاق مهاجر وارد می‌شود به طوری که «کل روند مهاجرتی به مثابه پدیده‌ای جنسیتی تلقی می‌گردد» (دوناتو و دیگران^۵، ۲۰۰۶: ۶). در این رویکرد، توجه به نابرابری‌های تاریخی و ساختاری جلب می‌شود که جابجایی را شکل داده و محدود می‌سازند. در این نگاه، مفهوم عاملیت فرد مهاجر در پیوند با ساختارهای زمینه‌ای و میانجی مثل صنعت مهاجرت به میان می‌آید. بدینگونه، «فهم صحیح عاملیت و ساختار در مرکز مطالعات قاچاق مهاجر و انسان قرار می‌گیرد» (بیرد، ۲۰۱۳: ۱۹).

بدین ترتیب، رویکردهای مختلف هر کدام بر بخشی از مسائل مربوط به این پدیده تمرکز می‌کنند و از سوی دیگر، بسترهای مختلفی که شبکه‌ها در آن فعالیت می‌کنند، فرق دارد. با این حال، نکته مسلم آن است که رویکردهایی که قاچاق مهاجران را تحت فعالیت شبکه‌های سازمان‌یافته جنایی مورد تحلیل قرار می‌دادند و در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ بسیار متداول بودند، اکنون، بخصوص با در نظر گرفتن ماهیت متغیر مهاجرت نامتعارف در دنیای کنونی، نمی‌توانند واقعیت‌های موجود را تبیین نمایند.

1 Bhabha

2 Brolan

3 Morrison and Crosland

4 Donato et al.

چارچوب مفهومی پژوهش

کدام یک از رویکردهای نظری مذکور بهتر می‌تواند پدیده قاجاق مهاجران را تبیین کند؟ بدون شک یافتن پاسخ این سؤال چندان ساده نخواهد بود. از یک سو، همانطور که اشاره شد یکی از رویکردهایی که در اواخر دهه ۱۹۹۰ ارائه شد، رویکرد تجاری بود که پدیده قاجاق مهاجران را تحت مفهوم وسیع‌تر صنعت مهاجرت به تحلیل می‌گرفت. بر اساس این رویکرد، مهاجرت بین‌المللی به مثابه یک تجارت، از بازارهای قانونی و غیرقانونی تشکیل می‌شود که در آن، بازیگران به دنبال سود و درآمد هستند. با این حال مشکلی که در آن زمان وجود داشت، عدم تمایز میان قاجاق انسان و قاجاق مهاجر در مدل تجاری بود. این مشکل تاکنون وجود دارد. قاجاق‌بران در بازارهای گسترده جهانی برای مهاجرت، همچون میانجی و تسهیلگر کار می‌کنند. مدل‌های تجاری در سنت اقتصادی مهاجرت بین‌الملل شکل گرفته‌اند. مدل تجاری قاجاق (انسان و مهاجر) بسیار مورد استقبال قرار گرفت چرا که بازنمودهای دوبعدی قاجاق را که بیشتر به بازی موش و گربه بین دولت و مهاجر شبیه بود، کنار گذاشت (بیرد، ۲۰۱۳). اصطلاح «تجارت» بر پیچیدگی مهاجرت بین‌المللی دلالت دارد. اینگونه که، نهادها و بازیگران مختلف در یک مدل جهانی مهاجرت ادغام می‌شوند.

یکی از مدل‌های تجاری اولیه‌ای که اثر عمده‌ای بر تمام مدل‌های بعدی در رویکرد حاضر گذاشت، مدل سالت و اشتین (۱۹۹۷) بود. این مدل با تمرکز بر پدیده قاجاق انسان، آن را به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از تجارت مهاجرت بین‌المللی تلقی می‌کند که جابجایی افراد را بین کشور مبدأ و مقصد تسهیل می‌بخشد. در مدل آنها، روند قاجاق انسان توسط شبکه‌های قاجاق به سه بخش تقسیم می‌شود: بسیج و استخدام مهاجران، جابجایی در طول مسیر، و ورود و ادغام به بازارهای جهانی و جوامع مقصد. در این مدل، قاجاق‌بران از طریق مسیرهای سابقه‌دار و شبکه ارتباطی در طول آن، هر روز تعداد بیشتری از افراد را عبور می‌دهند و اینگونه بر جغرافیای جابجایی‌ها اثر می‌گذارند. اگر در قدیم مهاجرت بین‌المللی به مثابه رابطه بین یک فرد یا خانوار (که برای اسکان دائمی یا کار جابجا می‌شوند) و یک دولت که به مانند دروازه‌بان برای ممانعت از ورود غیرقانونی به کشور عمل می‌کند، تلقی می‌شد؛ اکنون اما یک تجارت بین‌المللی پدیده‌ای پیچیده و متنوع است که بودجه کلانی می‌طلبد و صدها هزار شغل در سراسر جهان

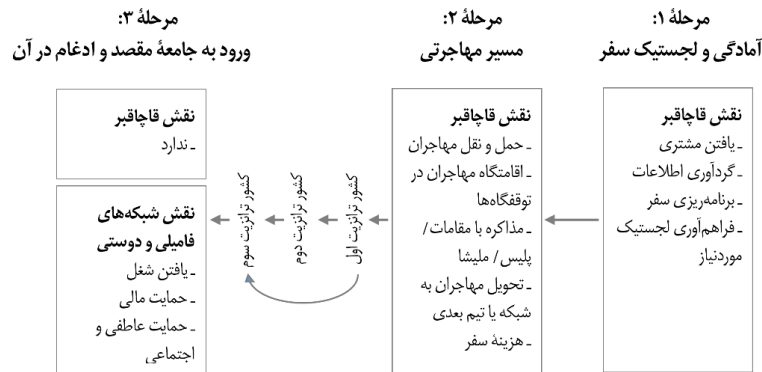
فراهم می‌نماید و توسط مجموعه‌ای از افراد و نهادها مدیریت می‌شود که هر کدام‌شان در توسعه تجارت‌شان نفعی دارند (سالت و اشتین، ۱۹۹۷: ۴۶۸).

در مدل سالت و اشتین (۱۹۹۷) قاچاق انسان مستلزم برنامه‌ریزی عملیات‌های انتقال افراد، جمع‌آوری اطلاعات، تقسیم وظایف و غیره است. ورودی این مدل خود مهاجران هستند و هدف اصلی قاچاق، انتقال آنها از کشور مبدأ به مقصد است. شبکه‌های قاچاق همچون مجراهایی هستند که آنها را به سوی خروجی مدل، یعنی ورود به جامعه مقصد و ادغام در آن، هدایت می‌کنند. ورودی و خروجی مدل، توسط مجموعه‌ای از نقش‌های قاچاق‌بر به هم وصل می‌شود. مرحله اول شامل استخدام مهاجران در کشورهای مبدأ و سازماندهی ابزار مورد نیاز برای انتقال آنها به کشورهای مقصد می‌شود. مباحث عمده‌ای که در این مرحله به بحث گرفته می‌شوند، جمع‌آوری اطلاعات، جعل اسناد، یافتن مشتری، وسایل حمل و نقل و تجهیز و غیره است.

در مرحله دوم، شبکه‌های قاچاق باید مجموعه مشخصی از نقش‌های سازمانی را در بین اعضای خود داشته باشند تا بتوانند فعالیت خود را مدیریت نمایند. به علاوه مسیرهای مورد استفاده فرق می‌کند. برخی مسیرها ساده و مستقیم هستند و برخی دیگر پیچیده و دشوار. زمان رسیدن به مقصد نیز فرق می‌کند. تمام این فعالیت‌ها باید به دور از چشم مقامات دولتی و پلیس‌های مرزی صورت گیرد. این امر به معنای برنامه‌ریزی دقیق عملیات انتقال است. نقاط عبور از مرز باید بررسی شود و معلوم شود که چه وقتی نظارت‌ها کمتر است و چه وقتی بیشتر، کجاها کنترل ضعیف‌تر است و کجاها قوی‌تر. در مواردی باید به مقامات رشوه داد. ابزار مناسب انتقال باید مهیا باشند و ممکن است در مراحل مختلف سفر فرق کنند. روش‌های عبور از مرز، وسایل حمل و نقل و پیاده‌روی، محل اقامتگاه‌ها و اینکه آیا قاچاق‌بران در طول مسیر و در شهرهای مختلف عامل و همکار دارند، از دیگر موارد مطرح در این مرحله است.

ورود به جامعه مقصد و ادغام در آن مرحله سوم مدل است که در آن، به محض رسیدن به مقصد، مهاجران باید جا و کار پیدا کنند تا وارد اجتماع محلی شوند. ممکن است افراد قاچاق‌شده نیازمند اسناد اقامتی باشند که در این موارد، به کمک جاعلان اسناد مورد نیاز تهیه می‌شوند. نکته دیگر مهم، تداوم ارتباط قاچاق‌بران با افراد قاچاق‌شده به محض رسیدن به مقصد است. در واقع بسیاری از افراد قاچاق‌شده به خاطر بدهی که به قاچاق‌بران دارند، مجبور هستند تا مدت‌ها تحت نظارت آنها در بازار سیاه به کار پردازند و اینگونه رابطه بین آنها حفظ می‌شود.

تحقیق حاضر، برای بررسی قاچاق مهاجران اقتصادی از افغانستان به ایران از همین مدل کمک می‌گیرد تا مراحل مختلف دخیل و نقش‌های مختلف قاچاق‌بر در روند قاچاق را مشخص سازد. البته از آنجایی که مدل سالت و اشتین (۱۹۹۷) برای بررسی قاچاق انسان طراحی شده است، در اینجا تلاش شد تا با اصلاح مرحله سوم، مدل مذکور برای هدف تحقیق حاضر آماده شود. در قاچاق مهاجران، معامله‌ای داوطلبانه بین دو طرف، قاچاق‌بر و مهاجر، صورت می‌گیرد که بر اساس آن فرد قاچاق‌بر، مهاجر را در ازای مبلغی مشخص از نقطه‌ای به نقطه دیگر می‌رساند و پس از آن معامله پایان یافته تلقی می‌شود. از همین رو، در مرحله سوم، شبکه‌های خانوادگی، فامیلی و دوستی به عنوان جایگزین قاچاق‌برها وارد می‌شوند تا نحوه ادغام در جامعه مقصد توضیح داده شود.



شکل ۱. مراحل مختلف قاچاق مهاجر و نقش قاچاق‌برها در آن

منبع: اقتباس از سالت و اشتین، ۱۹۹۷.

روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده روش کیفی و از شیوه مصاحبه عمیق فردی برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. در شیوه‌نامه تهیه شده جداگانه برای قاچاق‌بر و فرد قاچاق شده، در کنار ویژگی‌های جمعیتی پاسخگویان، سؤالاتی درباره نحوه آمادگی و لجستیک سفر، مسیر مهاجرتی و ورود به جامعه مقصد بر اساس مدل مفهومی بررسی شد.

در مرحله جمع‌آوری داده‌ها، تعداد ۲۲ مصاحبه عمیق با قاچاق‌بران و ۴۴ مصاحبه عمیق با مهاجران قاچاق‌شده دیپورتی^۱ در دو ولایت نیمروز و هرات، از مهرماه ۱۳۹۶ الی اردیبهشت ۱۳۹۷، صورت گرفت. دلیل انتخاب ولایات نیمروز و هرات برای انجام مصاحبه آن بود که از قدیم این دو ولایت محل شروع مهاجرت‌های نامتعارف با کمک قاچاق‌برها به سوی ایران بوده‌اند و در حال حاضر نیز بسیاری از شبکه‌های قاچاق مهاجر در این دو مکان مشغول به فعالیت هستند (محمدی، نیمکار و سویج، ۲۰۱۹). در عین حال، تمام دیپورتی‌هایی افغانستانی از ایران، از طریق دو مرز اسلام‌قلعه (در هرات) و میلک (در زرنج ولایت نیمروز) به کشورشان بازگشت داده می‌شوند.

برای انجام مصاحبه‌ها، دو پرسشگر در خصوص موضوعاتی چون چگونگی یافتن مصاحبه‌شونده‌ها، کسب رضایت برای مصاحبه و شیوه طرح سوالات در دو جلسه تحت آموزش قرار گرفتند و سپس به جمع‌آوری مصاحبه‌ها مشغول شدند.

از آنجایی که در جامعه افغانستان، صحبت با افراد قاچاق‌بر نیازمند سطحی از اعتماد می‌باشد، پرسشگران با استفاده از شبکه‌های قومی و فرهنگی خود و برخی از افراد آگاه و مطلعین محلی و تکنیک گلوله برفی به قاچاق‌بران دسترسی پیدا کردند. البته لازم به ذکر است که این قاچاق‌بران تقریباً همگی در سطوح پایین و میانی شبکه‌های قاچاق مهاجر در افغانستان مشغول به کار بودند و دسترسی به کسانی که مسئولیت مدیریت سطوح بالایی شبکه‌ها را به عهده دارند، برای پرسشگران غیرممکن بود. همچنین چون در بسیاری از موارد ضبط مصاحبه‌ها امکان‌پذیر نبود، در هر مصاحبه، یکی از پرسشگران سؤال‌ها را پرسیده و مصاحبه را هدایت می‌کرد و دیگری به یادداشت‌برداری از مصاحبه می‌پرداخت. شیوه تحلیل مصاحبه‌ها، تحلیل محتوای کیفی بوده است.

یافته‌ها

۱) ویژگی‌های قاچاق‌بران و قاچاق‌شده‌ها

همانطور که از جدول ۱ بر می‌آید، اکثریت قاچاق‌برانی که مورد مصاحبه قرار گرفتند در گروه‌های سنی ۲۶ - ۳۵ و ۳۶ - ۴۵ ساله قرار دارند. این قاچاق‌بران همگی مرد (۱۰۰٪) هستند

۱ منظور از مهاجران قاچاق‌شده دیپورتی مهاجرانی است که در ابتدا با کمک شبکه‌های قاچاق مهاجر به ایران وارد شده، اما پس از مدتی - کوتاه یا بلند - بازداشت شده و به افغانستان بازگشت داده شده‌اند.

و اکثریت ازدواج کرده (۷۳٪). به لحاظ قومیت، بلوچ‌ها بیشترین درصد را به خود اختصاص می‌دهند (۳۲٪) در حالی که تاجیک‌ها (۲۷٪) و هزاره‌ها (۱۸٪) در رتبه‌های بعدی قرار دارند. همچنین اکثر این قاچاق‌بران دارای سطح سواد ابتدایی یا راهنمایی و متوسطه هستند.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیتی مشارکت‌کنندگان در پژوهش، ۹۷-۱۳۹۶

مهاجران		قاچاقبران		ویژگی‌های جمعیتی	
درصد	تعداد	درصد	تعداد		
۴۵,۴	۲۰	۴,۵	۱	۲۵-۱۸	سن
۳۶,۴	۱۶	۴۵,۴	۱۰	۳۵-۲۶	
۱۳,۶	۶	۳۶,۴	۸	۴۵-۳۶	
۴,۶	۲	۱۳,۶	۳	+۴۶	
۹۳,۲	۴۱	۱۰۰,۰	۲۲	مرد	جنس
۶,۸	۳	۰,۰	۰	زن	
۵۹,۱	۲۶	۷۲,۷	۱۶	متأهل	وضعیت زناشویی
۴۰,۹	۱۸	۲۷,۳	۶	مجرد	
۲۷,۳	۱۲	۹,۰	۲	پشتون	قومیت
۴۳,۲	۱۹	۱۸,۲	۴	هزاره	
۱۸,۱	۸	۲۷,۳	۶	تاجیک	
۰,۰	۰	۳۱,۸	۷	بلوچ	
۱۱,۴	۵	۱۳,۷	۳	دیگر	
۲۹,۵	۱۳	۹,۰	۲	بیسواد	تحصیلات
۵۰,۰	۲۲	۴۱,۰	۹	ابتدایی	
۲۰,۵	۹	۴۵,۵	۱۰	متوسطه/دبیرستان	
۰,۰	۰	۴,۵	۱	دانشگاه	
۱۰۰,۰	۴۴	۱۰۰,۰	۲۲	تعداد نمونه	

از سوی دیگر، در مورد مهاجران قاچاق‌شده مورد مصاحبه، تقریباً نیمی از آنها از گروه سنی ۱۸ - ۲۵ ساله بودند. تقریباً اکثریت (۹۳٪) مرد بودند. به لحاظ وضعیت ازدواجی حدود ۶۰ درصد متأهل و بقیه مجرد بودند. به لحاظ قومیت، اکثراً به گروه‌های قومی هزاره (۴۳,۲٪) و

سپس پشتون (۳، ۲۷٪) تعل، ق داشتند، در حالی که به لحاظ سطح تحصیلات اکثراً ابتدایی (۵۰٪) یا بی سواد (۵، ۲۹٪) بودند.

در میان پاسخگویان قاچاقبر، حدود نیمی فعالیت در شبکه قاچاق مهاجر را شغل اصلی خود می دانند در حالی که بقیه پاسخگویان آن را شغلی جنبی و در کنار شغل اصلی خود خوانده اند. در میان گروه دوم، پاسخگویان عمدتاً به شغل هایی همچون هتلداری، تاکسیرانی، دکانداری و شغل آزاد مشغول بودند. در خصوص دلیل روی آوردن به قاچاقبری، نیمی از قاچاقبران اشاره کردند که پول به دست آمده از این شغل بسیار خوب و نسبتاً آسان است. یک پنجم هم بیکاری و نبود گزینه ای دیگر برای امرار معاش را دلیل اصلی خواندند. باقی پاسخگویان نیز درآمد جانبی در کنار شغل اصلی، اشتغال دیگر اعضای خانواده و دوستان بدین شغل و غیره را به عنوان دلایل اصلی روی آوردن به قاچاقبری خواندند. میانگین مدت اشتغال به قاچاقبری در میان پاسخگویان قاچاقبر به دو و نیم سال می رسد. تقریباً نیمی از آنها خود را قاچاقبری حرفه ای و فعال در یک شبکه قاچاق می خوانند در حالی که بقیه می گویند حرفه ای نیستند و به محض آنکه فرصت شغلی یا درآمدی مناسب دیگری برای شان فراهم شود، این شغل را رها می کنند.

در میان مهاجران قاچاق شده مورد مصاحبه، دلیل اصلی مهاجرت جستجوی فرصت های شغلی در ایران بوده است (۸۶٪) و بقیه نیز ناامنی در افغانستان (۱۰٪) و پیوستن به اعضای خانواده (۴٪) را از دلایل دیگر ذکر کرده اند. در خصوص نحوه تماس با قاچاقبر، تقریباً دو سوم آنها از طریق شبکه های فامیلی، دوستی و قومی با قاچاقبر مورد نظرشان تماس گرفته اند در حالی که بقیه پاسخگویان به طور مستقیم آنها را پیدا کرده یا با آنها تماس گرفته اند. در خصوص مبلغ مورد توافق در ازای خدمات قاچاقبری، این مبلغ بر حسب مقصد مورد نظر فرق می کردند. بر اساس مبالغی که به طور ماهانه طی سال ۱۳۹۶ از پانزده قاچاقبر مختلف در شهر زرنج ولایت نیمروز جمع آوری گردید (ر.ک: جدول ۲)، بیشترین میزان مبلغ پرداختی به قاچاقبرها تقریباً در سه ماهه اول سال به چشم می خورد و در سه ماهه آخر سال به پایین ترین میزان خود می رسد. بنا به گفته قاچاقبران، این امر تا حد زیادی به میزان تقاضا و کنترل های مرزی باز می گردد به طوری که در سه ماهه اول سال تعداد کسانی که متقاضی مهاجرت نامتعارف به ایران هستند بالاتر است و در نتیجه، به دلیل تقاضای بالا مبلغ درخواستی از سوی قاچاقبر نیز بالا می رود. در

طول سه ماهه آخر سال (زمستان)، به دلیل مهاجرت‌های نامتعارف کمتر، قاچاقبران برای جذب مشتری بیشتر نرخ‌های خود را پایین تر می‌آورند. همچنین، بر اساس گفته‌های قاچاقبران، میزان کنترل مرزها توسط نیروهای مرزی ایران در طول شش ماهه اول سال شدیدتر است در حالی که در زمستان، این کنترل‌ها کمتر می‌شوند.

مهاجران این مبالغ را در ازای خدماتی مشخص از سوی قاچاقبر یا شبکه قاچاق پرداخت می‌کنند. خدمات عمده‌ای که مهاجران قاچاق‌شده در طول سفر مهاجرتی‌شان به ایران دریافت کرده‌اند شامل عبور امن از مرز، تهیه مکان برای اقامت در مسیر راه، غذا و آب و دیگر خدمات می‌شوند. از سوی دیگر، قاچاقبران مورد مصاحبه، بسته خدماتی را که ارائه می‌دهند شامل این موارد ذکر کرده‌اند: جمع‌آوری مهاجران از محل گردآمدن [در زرنج]، عبور امن از مرز، تهیه مکان برای اقامت در مسیر راه، غذا و آب، رایزنی با مقامات و پلیس‌های مرزی، تأمین مراقبت پزشکی در موارد ضروری و حمل و نقل.

جدول ۲. نرخ پرداختی به قاچاقبران (به دلار) برای مهاجرت نامتعارف از شهر زرنج (ولایت نیمروز) به

مقاصد مختلف در داخل ایران در ماه‌های مختلف سال ۱۳۹۶

مقصد	زاهدان	بندر	رگان	اصفهان	تهران	تهران	تهران	تهران
فروردین	۱۵۶	۲۸۶	۲۸۶	۳۶۴	۳۶۴	۳۶۴	۳۶۴	۵۲۰
اردیبهشت	۱۵۸	۲۹۰	۲۹۰	۳۶۹	۳۶۹	۳۶۹	۳۶۹	۵۲۷
خرداد	۱۶۰	۲۹۴	۲۹۴	۳۷۴	۳۷۴	۳۷۴	۳۷۴	۵۳۴
تیر	۱۵۸	۲۹۰	۲۹۰	۳۶۹	۳۶۹	۳۶۹	۳۶۹	۵۲۷
مرداد	۱۵۸	۲۸۸	۲۸۸	۳۶۷	۳۶۷	۳۶۷	۳۶۷	۵۲۴
شهریور	۱۵۶	۲۸۵	۲۸۵	۳۶۲	۳۶۲	۳۶۲	۳۶۲	۵۱۷
مهر	۱۴۹	۲۷۳	۲۷۳	۳۷۴	۳۷۴	۳۷۴	۳۷۴	۵۹۶
آبان	۱۵۲	۲۷۹	۲۷۹	۳۵۵	۳۵۵	۳۵۵	۳۵۵	۵۰۷
آذر	۱۴۶	۲۶۶	۲۶۶	۳۳۸	۳۳۸	۳۳۸	۳۳۸	۴۸۲
دی	۱۴۰	۲۵۶	۲۵۶	۳۲۶	۳۲۶	۳۲۶	۳۲۶	۴۶۶
بهمن	۱۳۱	۲۴۰	۲۴۰	۳۰۵	۳۰۵	۳۰۵	۳۰۵	۴۳۵
اسفند	۱۲۶	۲۳۰	۲۳۰	۲۹۲	۲۹۲	۲۹۲	۲۹۲	۴۱۷
میانگین	۱۴۹	۲۷۳	۲۷۳	۳۴۷	۳۴۷	۳۴۷	۳۴۷	۵۰۴

در مورد شیوه پرداخت هزینه قاچاق، تقریباً اکثریت مهاجران قاچاق شده در هنگام رسیدن به مقصد این مبلغ به صورت یکجا را پرداختند (۸۷٪) و بقیه از ابتدا یا در طول مسیر. آنها این مبلغ را از پس انداز شخصی (۴۵٪)، قرض از خانواده و دوستان در افغانستان (۲۱٪) و قرض از خانواده و دوستان در ایران (۱۹٪)، فروش اموال در افغانستان (۸٪) و منابع دیگر (۷٪) تأمین کرده بودند.

۲) مراحل مختلف قاچاق مهاجر و نقش قاچاقبرها

مرحله اول: آمادگی و لجستیک سفر

در این مرحله، وظایف عمده قاچاقبران شامل یافتن مشتری یا همان مهاجران بالقوه و سازماندهی وسایل لازم برای سفر می‌باشد. با این حال، به انجام رساندن بایسته هر دوی این مراحل نه تنها نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و مستمر است، بلکه نقش‌ها نیز باید به طور دقیق بین افراد مختلف تقسیم گردد. در مورد چگونگی نحوه یافتن مهاجرانی اقتصادی که قصد مهاجرت به ایران را دارند، قاچاقبران در افغانستان با دشواری چندانی رو به رو نمی‌شوند؛ زیرا بسیاری از مشتریان آنها به صورت قانونی خود را به زرنج، نقطه شروع مهاجرت‌های نامتعارف، رسانده و در آنجا به دنبال قاچاقبران می‌گردند. تعدد بالای قاچاقبران، وابستگی اقتصاد شهر به قاچاقبری (انسان و کالا) و عدم وجود محدودیت‌های قانونی سبب گشته است که قاچاقبران به آسانی در این شهر به فعالیت بپردازند.

هتل‌های شهر زرنج بهترین محل برای ملاقات مهاجران و قاچاقبران می‌باشند. در واقع بسیاری از این هتل‌ها به طور مستقیم با شبکه‌های قاچاق در تماس هستند و به عنوان میانجی‌هایی برای پیوند دادن مشتری و قاچاقبر عمل می‌کنند. مهاجران نرسیده به زرنج، در قدم اول، به یکی از این هتل‌ها رفته و شب را در همانجا می‌مانند. در حین اقامت، با گرفتن اطلاعات از کارگران هتل و دیگر مهاجرانی که در آنجا به سر می‌برند، به یکی از اعضای شبکه قاچاق معرفی می‌شود. سپس آنها در خصوص مسیر، شرایط آن و هزینه سفر با هم به گفتگو و مذاکره می‌پردازند.

خیلی دشوار نیست. فقط شب‌ها که می‌شود به هتل حاجی... می‌روم تا نان شام را

بخورم. در همانجا، تا دلت بخواهد نمر هست که به سوی ایران روان هستند. با آنها سرگپ

را باز می‌کنم و از جای و جای‌آدشان می‌پرسم و همین رقم‌گپ را به سفرشان می‌کشانم. به همین سادگی. آخرش می‌گویم که اگر می‌خواهی بروی ما می‌بریم با این قیمت و از این مسیر. خیلی وقت‌ها هم مسافران به صاحب هتل و کارگران هتل می‌گویند که یک قاچاقبر برای‌شان معرفی کنند. ما هم چون با حاجی قرارداد داریم، هتل آنها را به ما معرفی می‌کنند. (قاچاقبر، ۳۲ ساله، زرنج)

غیر از هتلداران، افراد دیگری همچون تاکسی‌وان‌ها و دکاندارها نیز هستند که در جریان صحبت با مهاجران، آنها را به قاچاقبرهای آشنای خود معرفی می‌کنند و به ازای آن مبلغی اجرت دریافت می‌کنند. این مبلغ بین آنها و قاچاقبرها توافقی می‌باشد و فرق می‌کند.

همین تاکسی‌وان‌ها نفر به ما معرفی می‌کنند... وقتی سر گپ بین‌شان باز می‌شود، تاکسی‌وان می‌گوید که من مثلاً فلانی را می‌شناسم قاچاقبر خوبی است. اگر بخواهی معرفی می‌کنم. البته خیلی وقت‌ها مهاجران به تاکسی‌وان‌ها اعتماد نمی‌کنند و اول دل‌شان می‌خواهد که با بقیه مشورت کنند بعد قاچاقبرشان را انتخاب کنند... مبلغی که می‌دهیم فرق می‌کند. به یک نفر صد افغانی می‌دهیم به یک نفر دیگه بیشتر. بستگی به نفرش دارد. (قاچاقبر، ۴۵ ساله، زرنج)

با این حال، بسیاری از مهاجران پیش از آنکه از ولایت مبدأ خود به سوی زرنج راه بیفتند، با کمک شبکه‌های فامیلی و دوستی خود، با قاچاقبری در ولایت نیمروز تماس می‌گیرند تا به محض رسیدن آنها را به سوی ایران ببرد. همانطور که پیش‌تر نیز ذکر شد، یافتن یک قاچاقبر به کمک این شبکه‌های فامیلی و دوستی در افغانستان چندان دشوار نیست:

به بچه‌کاکایم (پسرعمویم) زنگ زدم تا یک قاچاقبر را معرفی کند. او قبلاً به ایران رفته بود و می‌گفت که چند نفر را می‌شناسد. وقتی زنگ زدم، قرار شد شب خبر بدهد و شب هم شماره یک نفر را داد که برایش زنگ بزنم. زنگ زدم و خودم را معرفی کردم. آن نفر هم در مورد قیمت و مسیر یک چیزهایی گفت و... گفت که بیا زرنج به هتل فلانی، همانجا می‌بینیم (مهاجر قاچاق‌شده، هرات، ۲۲ ساله)

پس از یافتن تعداد لازم مشتری، قدم بعدی برای قاچاقبران ساماندهی سفر است که البته مقدمات آن از مدتی قبل فراهم آمده است. جمع‌آوری اطلاعات اولین قدم مهم است. آنها باید در خصوص بهترین زمان برای شروع سفر، شرایط آب و هوایی مسیری که در پیش می‌گیرند، فعالیت‌های نظامی از سوی نیروهای دولتی، طالب و دیگر گروه‌های شبه‌نظامی در مسیر، ساعات

فعالیت پست‌های نگهبانی در مرز، تعداد نیروی انسانی موجود در شبکه خود و شبکه‌های همکار در پاکستان و ایران و غیره تا حد امکان اطلاعات به روز و مناسب به دست آورند. قصور در فراهم‌آوری این اطلاعات ممکن است به شکست عملیات قاچاق و گیر افتادن مهاجران و همکاران‌شان به دست نیروهای دولتی یا ملیشا (گروه‌های شبه‌نظامی غیردولتی) منجر شود. این اطلاعات عمدتاً از طریق تلفن یا شبکه‌های اجتماعی همچون وایبر و واتساپ با دیگر اعضای شبکه یا شبکه‌های همکار در طول مسیر گردآوری می‌شود.

مثلاً دو نفر در ذک داریم که هر وقت موترها به آن سمت می‌روند، از روز قبل اطمینان

می‌دهند که ملیشای محل کاری به کاروان ما ندارد. (قاچاقبر، ۳۵ ساله، زرنج)

برنامه‌ریزی برای لجستیک سفر قدم مهم بعدی است که شامل فراهم‌آوردن وسایل حمل و نقل، اقامتگاه در مسیر و مذاکره با مقام‌ها محلی و پلیس‌های مرزی فاسد می‌باشد. رانندگانی که مهاجران را به سوی مرز می‌برند عمدتاً در یک شبکه قاچاق خاص فعالیت ندارند و با شبکه‌های کوچک، متوسط و بزرگ مختلف در زرنج همکاری می‌کنند. در واقع، شبکه‌های مذکور هر گاه مهاجران کافی برای انتقال داشته باشند، با تماس گرفتن با این راننده‌ها تعداد کافی وسیله حمل و نقل فراهم می‌کنند. در سفر بعدی ممکن است برخی از این راننده‌ها، در حال انتقال مهاجران شبکه‌های دیگر باشند و بدینگونه، شبکه باید با کسان دیگری تماس بگیرد. بر اساس گفته قاچاقبران، این راننده‌ها همگی از مردم محلی می‌باشند که با مسیر تحت پوشش خود آشنایی کامل دارند.

اقامتگاه‌های بین راهی هم از مواردی است که پیشاپیش باید هماهنگ شود. این اقامتگاه‌ها هم در روستاها و مناطق دورافتاده دیده می‌شوند هم در داخل شهرهای بین‌راهی. با این حال، شبکه‌هایی که در داخل زرنج فعالند، تنها یک یا دو اقامتگاه در داخل پاکستان را هماهنگ می‌کنند و پس از آن، تأمین اقامتگاه (و نیز وسایل حمل و نقل) برعهده شبکه‌های قاچاق همکار در پاکستان و ایران می‌باشد.

بر اساس گفته‌های قاچاقبران، برای عبور از مرز افغانستان به پاکستان، مذاکره با مقامات محلی کافی نیست و شبکه قاچاق باید با ملیشاهای منطقه نیز به توافق برسند:

ای کاش فقط پلیس و اردو [ملی] بود. الان در منطقه نیروهای ملا... جلوی موترها را

می‌گیرند و پیسه طلب می‌کنند. اگر ندهیم، هم خودمان را لت و کوب می‌کنند هم مهاجران

را. زورمند هستند و هر کاری بخواهند می‌کنند. خدا از دست طالب نجات دهد. سه ماه پیش بچه‌های (مهاجران) فلانی در دک [منطقه‌ای نرسیده به مرز پاکستان] گیر طالب افتاد. سه نفرشان را سر برید. بقیه را خوب لت و کوب کردند.

مرحله دوم: مسیر مهاجرتی

مسیرهای مهاجرت غیرمعارف به ایران در طول سه دهه گذشته تغییرات بسیاری به خود دیده است. همانطور که پیش‌تر ذکر شد، پس از تجاوز ارتش سرخ به افغانستان، بسیاری از مردم به خاطر جنگ، ناآرامی و خشکسالی راهی کشورهای همسایه از جمله ایران شدند. در آن زمان، ایران که به تازگی انقلاب اسلامی را از سر گذرانده بود، سیاست درهای باز را پیش گرفت و هیچ محدودیت خاصی برای عبور پناهندگان افغانستانی از مرز و ورود به کشور وضع نکرد (محمودیان، ۱۳۸۶؛ تورتون و مارسدن^۱، ۲۰۰۲). در این زمان، کاروان‌های پناهندگان از مرزهای غربی و از راه‌های فرعی و دورافتاده به دور از چشم نیروهای دولت وقت کمونیست افغانستان وارد خاک ایران می‌شدند یا ابتدا به پاکستان می‌رفتند و پس از مدتی اقامت در آنجا به سوی ایران به راه می‌افتادند. آنچه در این میان جالب می‌رسد، عدم استفاده از عنوان «قاچاقبر» برای کسانی است که کاروان‌ها را از این سوی مرز به آن سوی مرز هدایت می‌کردند. «راه‌بلد» عنوانی است که قاچاقبران به راهنمایان آن دوره می‌دهند:

راه‌بلدهای آن دوره دو گروه بودند. بعضی‌هایشان از مردم محل بودند در نقاط مختلف مرزی و در بین راه. از جمله بلوچ‌ها. اینها یک پیسه‌ای می‌گرفتند و کاروان‌ها را از یک منطقه به منطقه دیگر می‌بردند و از مرز رد می‌کردند. داخل ایران که می‌شدیم بستگی داشت. اگر پول‌شان را داده بودند مهاجرین را یله می‌کردند تا خودشان موتر بگیرند و بروند. اگر نه، با آنها تا پیش فامیل‌شان می‌رفتند تا پیسه‌شان را بگیرند. بعضی‌ها هم بودند که قبلاً تجارت می‌کردند یا به زیارت می‌رفتند. اینها هم راه را می‌شناختند. بلد بودند. همین‌ها جلوی قوم‌شان می‌افتادند و راه را نشان‌شان می‌دادند می‌بردند تا لب مرز یا مشهد. (قاچاقبر، ۴۸، ساله، هرات)

با این حال، مدتی نگذشت که با اتخاذ سیاست‌های سختگیرانه دولت ایران برای کنترل مرزهای خود و ممانعت از ورود نامتعارف پناهندگان افغانستانی در اواسط دهه ۱۳۶۰ شمسی به بعد، پناهندگان مجبور شدند دست به دامن شبکه‌های قاچاق مهاجر شوند.

در دهه ۱۳۷۰، عمده مهاجرین از طریق سه ولایت هرات، فراه و نیمروز در مجاورت مرزهای غربی افغانستان وارد خاک ایران می‌شدند. فعالیت قاچاق‌برها در این دوره بیشتر بر عبور از مرز و تهیه اقامتگاه به خاطر توقف‌های طولانی در مسیر بود. طولی نکشید دولت ایران با استقرار نیروهای گشت مرزی در امتداد مرز ایران و افغانستان، عبور غیرقانونی از مرزهای شرقی خود را بیش از پیش دشوار ساخت. گذشته از آن، حتی در صورت ورود به خاک ایران، پاسگاه‌های متعدد در طول مسیر و در استان‌های مختلف ایران سبب می‌شد که بسیاری از مهاجران و پناهندگان غیرقانونی در مسیر بازداشت شده و به افغانستان بازگشت داده شوند. از همین رو، از اواسط دهه ۸۰، مسیر مهاجرتی به تدریج از مرز افغانستان - ایران به داخل خاک پاکستان کشیده شد به نحوی که قاچاقبران ابتدا مهاجران را وارد خاک پاکستان و سپس از مسیرهای صعب کوهستانی، آنها را از مرز پاکستان - ایران وارد خاک ایران، استان سیستان و بلوچستان، می‌کنند. در سال‌های اخیر، این مسیر به مسیر غالب برای مهاجرت‌های نامتعارف از افغانستان به ایران بدل شده است.

به طور کل، مسیر مهاجرت نامتعارف به ایران در طول این سال‌ها تغییرات گوناگونی را از مسیرهای مستقیم و کوتاه تا مسیرهای پیچیده و بلند، هزینه‌های گوناگون، فواصل زمانی مختلف بین آغاز تا انجام سفر، به خود دیده است. در حال حاضر، بر اساس مصاحبه‌های به دست آمده از قاچاقبران، تقریباً تمام مهاجرت‌های غیرمعارف مهاجران اقتصادی از افغانستان به ایران، از شهر زرنج در ولایت نیمروز واقع در جنوب غربی افغانستان آغاز می‌شود. آنها پس از سوار شدن بر وسایل نقلیه به سوی جنوب ولایت نیمروز، مرز پاکستان - افغانستان رهسپار می‌شوند. پیش از رسیدن به مرز، در منطقه «چهار برجک» توقفی کوتاه می‌شود تا وسایل نقلیه را عوض کنند و سپس دوباره به راه افتاده و به منطقه‌ای تحت کنترل طالبان به نام «دک» می‌رسند. از این منطقه، سفر به روستای «کندی» واقع در مرز پاکستان ادامه می‌یابد. در اینجا، دو مسیر برای رسیدن به مرز پاکستان - ایران پیش روی قاچاقبران و مهاجران وجود دارد: «مشکل» و «رجا». مسیر اول، مشکل، در امتداد مرز پاکستان به سوی ایران واقع است و از مناطق صعب‌العبور

کوهستانی می‌گذرد به طوری که استفاده از وسایل نقلیه در اکثر این مسیر ناممکن است و مهاجران باید با پای پیاده به راه خود ادامه دهند. مسیر دیگر از منطقه‌ای به نام رجا می‌گذرد و به همین نام مشهور است؛ از آنجایی که این مسیر دشواری‌های مسیر مشکل را ندارد و نیازمند پیاده‌روی کمتری است، اغلب مهاجرانی را که با خانواده هستند از این مسیر انتقال می‌دهند. به همین خاطر، این مسیر هزینه بیشتری نسبت به مسیر دیگر دارد.

پس از ورود به خاک ایران، اولین مقصد عمدتاً روستای روتک در جنوب شرق استان سیستان و بلوچستان است. توقف در این روستا معمولاً بین نیم تا یک روز به طول می‌انجامد و همان نقطه‌ای است که در خاک ایران، از آن مهاجران به سوی مقاصد گوناگون از هم جدا می‌شوند. مقصدهای عمده مهاجران اقتصادی قاچاق‌شده مورد مصاحبه در میان نمونه ما، شهرهای تهران، مشهد، بندرعباس، اصفهان، کرمان، اراک و قم می‌باشند.

بر اساس گزارش مهاجران قاچاق‌شده، انتخاب مسیر مهاجرتی بر عهده قاچاقبران است. آنها با برآورد شرایط مسیر و شدت کنترل نیروهای مرزی در نقاط گوناگون به انتخاب مسیر و زمان حرکت و توقف دست می‌زنند.

*نه دیگر، ما که از راه خبر نداریم. تازه دو راه که بیشتر نیست. همین قاچاقبر نفر
آشناست و همه می‌شناسند. راه را خوب بلد است. همو می‌گوید که از راه رجا برویم بهتر
است. برای زن و بچه مان هم بهتر است. بخاطر اینها باید گپ‌شان را گوش کنم تا با این
همه دزد و طالب در راه کدام خطری پیش نیاید (مهاجر قاچاق‌شده، ۲۸ ساله، هرات)*

در طول مسیر، توقفگاه‌هایی وجود دارد که در آنجا، قاچاقبران با هماهنگی قبلی مکان‌هایی را برای نگهداری و سرپناه مهاجران آماده کرده‌اند. این خانه‌ها (یا در برخی موارد چاردیواری‌ها) در روستاهای دورافتاده (پاکستان و ایران) یا حاشیه شهرهای داخل ایران واقع هستند و صاحب آنها نیز عمدتاً از دوستان یا شرکای شبکه‌های قاچاق مهاجر می‌باشند. این توقف‌ها دلایل مختلفی از جمله اطمینان از شرایط مناسب برای ادامه مسیر یا انتظار برای انتقال هزینه مهاجرت از سوی بستگان افراد مهاجر است.

نکته قابل توجه این است که اکثر قاچاقبران مصاحبه‌شده اذغان داشتند شبکه‌شان مهاجران را به داخل مرز پاکستان انتقال می‌دهند اما از آنجا به بعد خودشان مسافران را همراهی نمی‌کنند بلکه آنها را تحویل شبکه‌های محلی همکار در آن منطقه می‌دهند. این شبکه‌ها عمدتاً از

پاکستانی‌ها و بلوچ‌های محل تشکیل می‌شوند. آنها نیز مهاجران را پس از عبور از یکی از دو مسیر مشکل یا رجا به مرز ایران و پاکستان رسانده و در آنجا تحویل شبکه محلی دیگری می‌دهند تا از مرز عبورشان دهد. پس از ورود به خاک ایران، شبکه محلی دیگری عمدتاً شامل بلوچ‌های سیستان و بلوچستان، مهاجران را تحویل گرفته و به سوی مقاصدشان می‌برند. البته در برخی موارد، امکان دارد که در داخل خاک ایران نیز دوباره مهاجران بین شبکه‌های محلی و کوچک‌تر دست به دست شوند. این دست‌به‌دست شدن‌ها در کل مسیر ممکن است تا شش بار را در بر بگیرد.

بنا به گفته‌های قاچاقبران در داخل افغانستان، برخی از شبکه‌های همکارشان در داخل ایران معمولاً ارتباط‌هایی را با مأموران مرزی یا پاسگاه‌های بین مرزی دارند تا امکان انتقال بدون دردسر مهاجران از مرز یا پاسگاه‌های بین شهری فراهم گردد یا در صورت بروز مشکل، به نوعی آن را رفع نمایند.

شیوه‌های حمل و نقل مهاجران نیز فرق می‌کند. از زرنج تا مرز پاکستان، مهاجران در پشت وسایل نقلیه نیمه‌سنگین همچون تویوتا انتقال می‌یابند. در داخل پاکستان، بیشتر مسیر با پای پیاده طی می‌شوند و در داخل ایران، عمدتاً وسایل نقلیه سبک همچون خودروهای سواری مورد استفاده قرار می‌گیرند. این خودروها که ظرفیتی پنج نفری دارند، با سوار کردن بیش از پانزده مهاجر، به صورت شبانه از شهرهایی مانند زاهدان به سوی کرمان به راه می‌افتند تا شانس دستگیر شدن توسط پلیس را به حداقل برسانند. برخی از مهاجران قاچاق‌شده اشاره کردند که در برخی موارد، قاچاقبرها - با همکاری راننده‌ها - آنها را در اتوبوس‌های مسافربری پنهان کرده و از پاسگاه‌های بین شهری عبور داده‌اند.

همانطور که پیش‌تر اشاره شد، هزینه این سفرها بسته به مقصدی که مهاجران قصد رسیدن به آن را دارند فرق می‌کند. به عنوان مثال، طی ماه فروردین سال ۱۳۹۶ هزینه رسیدن به بندرعباس به کمک شبکه‌های قاچاق مهاجر حدود ۱۸۲ دلار به ازای هر مهاجر می‌رسید در حالی که در همین زمان، هزینه رسیدن به تهران و مشهد، به ترتیب، ۳۶۴ و ۵۲۰ دلار می‌شد. آنچه از گفته‌های قاچاقبران بر می‌آید، در کنار مقصد مورد نظر، عوامل دیگری نیز هستند که بر میزان هزینه سفر اثر می‌گذارند:

(۱) زمان سفر: در طول ماه‌های اول سال که افراد بیشتری برای جستجوی کار به ایران

مهاجرت می‌کنند، قیمت‌ها برای هر مسیر بالاتر می‌رود.

۲) میزان تقاضا: با بالا رفتن تعداد مهاجران و تقاضا برای مهاجرت نامتعارف، قاچاقبران قیمت‌های خود را معمولاً بین ۱۰ الی ۲۰ درصد افزایش می‌دهند. این در حالی است که وقتی تعداد مهاجران پایین می‌آید، بسیاری از قاچاقبران برای جذب مشتری بیشتر به همان نسبت قیمت‌های خود را پایین می‌آورند تا بدین وسیله افراد بیشتری را جذب نمایند.

۳) وضعیت امنیتی مسیر: وضعیت امنیتی عمدتاً به میزان ناامنی‌های موجود در داخل قلمرو افغانستان و پاکستان به دلیل فعالیت‌های نظامیان طالبان، ملیشاهای محلی و گروه‌های جنایتکار اشاره دارد. در مواقعی که کنترل نیروهای امنیتی بر کنترل نواحی محل عبور و مرور کاروان‌های مهاجران کمتر می‌شود، از جمله مناطق مجاور مرز افغانستان - پاکستان، فعالیت گروه‌های تروریستی و همچنین جنایتکار (که عمدتاً متوسل به دزدی از مهاجران و گروگان‌گیری آنها برای دریافت پول می‌شوند) رو به افزایش می‌رود. از همین رو، قاچاقبران فعالیت در این دوره‌ها را دشوارتر از دیگر زمان‌ها می‌خوانند و طلب پول بیشتر برای پرداخت رشوه به این گروه‌ها را امری طبیعی می‌دانند.

۴) فعالیت‌های کنترلی در مرزها و پاسگاه‌های بین شهری: یکی از نکات جالبی که توسط قاچاقبران در افغانستان به کرات اشاره می‌شود، سخت‌گیری‌های مقطعی در مرزها و نیز پاسگاه‌های بین شهری است که سبب می‌شود گاهی اوقات تا ۳۰ درصد عملیات‌های آنها به شکست بیانجامد و نه تنها مهاجران، بلکه خودشان توسط نیروهای پلیس و مرزبان دستگیر گردند.

مرحله سوم: ورود و ادغام در جامعه مقصد

در مدلی که سالت و اشتین (۱۹۹۷) از قاچاق انسان ارائه داده‌اند، قاچاقچیان انسان عمدتاً نقش برجسته‌شان را در این مرحله آخر نیز حفظ می‌کنند و با فراهم آوردن فرصت شغلی، جعل اسناد اقامتی و غیره، زمینه ورود و ادغام تدریجی آنها را در جامعه مقصد فراهم می‌آورند. در مورد قاچاق مهاجران اما اینگونه نیست. همانطور که پیش‌تر ذکر شد، قاچاق مهاجر بیشتر به معامله‌ای بین دو فرد می‌ماند که در آن، یکی از طرفین در ازای مبلغ یا خدمات مشخص طرف دیگر را از نقطه‌ای به نقطه دیگر می‌رساند. پس از رسیدن به مقصد، معمولاً معامله تمام می‌شود و قاچاقبر

مهاجر را به حال خود رها می‌کند. از آن سو، مهاجر هم انتظاری ندارد که قاچاقبر مقدمات ادغام وی را در جامعه مقصد فراهم آورد، بلکه این وظیفه عمدتاً بر دوش خود فرد مهاجر یا شبکه‌های فامیلی و دوستی‌اش در مقصد است.

در خصوص مهاجران اقتصادی افغانستانی که به طور نامتعارف و با کمک شبکه‌های قاچاق مهاجر وارد ایران می‌شوند، نیز وضع به همین گونه است. آنها با استفاده از دو شیوه پرداخت کامل پول در مقصد و تضمین / طرف ثالث در کشور مبدأ، هزینه توافقی بین خود و قاچاقبر را به وی می‌پردازند. پس از آن، این مهاجران هیچ کاری با قاچاقبر(ان) خود ندارند. اما پس از ورود به ایران، این افراد برای ادغام در جامعه مقصد چه راهبردهایی را پیش می‌گیرند؟

اولین نکته‌ای را که باید بدان توجه کرد، ماهیت موقتی بودن اقامت این افراد در ایران است. بسیاری از آنها با توجه به این واقعیت که قصد اقامت دایم در ایران ندارند، عموماً پیش از سفر با اعضای خانواده، فامیل یا دوستان خود در ایران تماس گرفته و با در میان گذاشتن نیت مهاجرتی خود، از آنها مشورت می‌طلبند. در کنار این مشورت، وجود فرصت‌های کاری نیز مورد مذاکره قرار می‌گیرد.

به بچه‌کاکایم [پسرعمویم] که گفتم، گفت بیا هیچ در غمش نباش. کار اینجا زیاد هست. یک صاحبکار داشت که به کارگر نیاز داشت. گفت بیا پیش خودم کار کن. من هم به ضمانت گپ او رفتم. (مهاجر قاچاق‌شده، ۲۱ ساله، هرات)

خب همه فامیل می‌گفتند که آنجا [افغانستان] چکار می‌کنی؟ نه کار هست نه امنیت. بیا همینجا بالاخره یک کار غریبی پیدا می‌شود حداقل روزگار می‌چلد [گذرانده می‌شود]... به محض اینکه به قم رسیدم، دو روز بعدش با یکی از فامیل‌ها رفتیم قمرود و در یک گاوداری مشغول به کار شدم. برادرم هم که با من آمده بود رفت یک گاوداری دیگر در همان قمرود. (مهاجر قاچاق‌شده، ۳۷ ساله، زرنج)

من قبلاً با این دوستانم در تجربیش تهران سر ساختمان کار می‌کردیم. خوب آشنا بودیم. برای‌شان زنگ زدم و گفتم که تهران هستم و کاری برایم سراغ دارند؟ فردایش یکی‌شان تماس گرفت و گفت که در همان تجربیش یک نفر سراپدار به کار دارد... (مهاجر قاچاق‌شده، ۲۵ ساله، هرات)

از همین رو، می‌توان گفت مهاجران اقتصادی برای یافتن کار به شدت بر شبکه‌های خانوادگی، فامیلی و دوستی خود متکی هستند به طوری که کمتر مهاجر اقتصادی افغانستانی را

می‌توان یافت که بدون داشتن نوعی شبکه حمایتی در ایران یا آگاهی از چگونگی یافتن فرصت‌های کاری اقدام به مهاجرت به این کشور کند.

نوع کارهایی که این مهاجران در ایران بدان مشغول می‌شوند، عمدتاً شغل‌های اصطلاحاً بدی هستند. کارگری، کارهای ساختمانی همچون سنگ‌کاری و موزاییک‌سازی، گاوداری، مرغداری، کوره‌های آجرپزی، باغ‌های میوه، کشاورزی و دباغی از جمله شغل‌هایی هستند که مهاجران ردمرز شده مورد بررسی گزارش داده‌اند.

به لحاظ اجتماعی اما وضعیت به کلی فرق می‌کند. آنها به دلیل نداشتن مدرک اقامتی نه تنها به خدمات اجتماعی دسترسی ندارند، بلکه همواره خود را تحت تعقیب پلیس و نیروی انتظامی حس می‌کنند. از آنجایی که آنها برای کار به ایران آمده‌اند، تحصیل گزینه‌ای در میان آنها نیست. تنها دو نفر از میان مهاجران ردمرز شده نمونه مورد بررسی بیان کردند که در کنار کار اقدام به سوادآموزی تحت تعلیم دیگر مهاجران افغانستانی کرده بودند. خدمات بهداشتی و مراقبت‌های پزشکی از دیگر مواردی است که دسترسی بدان برای‌شان چندان ساده نیست. البته این گفته بدین معنا نیست که آنها هیچ دسترسی به بیمارستان‌ها و کلینیک‌ها نداشته باشند، بلکه ترس از بازداشت شدن در راه و بیمارستان یا عدم توانایی مالی کافی سبب می‌شود که از مراجعه به این مراکز خودداری کنند. در برخی موارد، مانند دندان‌درد و شکستگی استخوان عموماً به دیگر مهاجران افغانستانی که به صورت غیرقانونی و در خانه‌شان مطب‌های کوچک تشکیل داده‌اند، مراجعه می‌کنند.

نتیجه‌گیری

مهاجرت نامتعارف یکی از واقعیت‌های دنیای معاصر به شمار می‌رود که با توجه به پویایی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در سراسر دنیا، تنها گزینه برای بسیاری از کسانی که به شمار می‌رود که قصد جابجایی و عبور از مرزهای بین‌المللی را دارند. از همین رو، بازار تقاضا برای فعالیت‌های شبکه‌های قاچاق مهاجر نیز در آینده نزدیک نه تنها تغییری نخواهد کرد، بلکه احتمال افزایش آن نیز چندان دور از انتظار نیست. در حوزه سیاست‌گذاری، تلاش دولت‌ها برای مقابله با پدیده قاچاق مهاجر و محدود ساختن مهاجرت‌های نامتعارف در بسیاری از موارد ناکام

مانده و در حوزه پژوهش، نیز محققان با چالش‌های بسیاری در جمع‌آوری داده‌های معتبر روبه‌رو می‌باشند.

در افغانستان، علیرغم اینکه این کشور یکی از بزرگ‌ترین کشورهای مبدأ پناهندگان در دنیاست و دهه‌هاست جابجایی‌های کلان فرامرزی را تجربه می‌کند، اما در مورد پدیده قاچاق مهاجر سیاست‌های روشنی وجود ندارد. این وضعیت زمانی پیچیده می‌شود که متوجه می‌شویم اکثر دولت‌های منطقه از جمله پاکستان و ایران نیز وضعیتی مشابه افغانستان در حوزه سیاست-گذاری دارند (مجیدی و دانزیگر، ۲۰۱۶). این وضعیت فضایی مناسب با سودآوری بالا برای فعالیت انواع شبکه‌های قاچاق مهاجر محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در منطقه فراهم می‌آورد. بررسی ماهیت و کارکرد این شبکه‌ها اما رویکردهای کلاسیک به قاچاق مهاجر را در ادبیات مهاجرت زیر سؤال می‌برد. برخلاف اینکه بسیاری از رویکردها، این شبکه‌ها را دارای ساختاری بسیار سازمان‌یافته، سلسله‌مراتبی و بین‌المللی می‌دانند، در افغانستان شبکه‌های قاچاق بیشتر در حوزه کشورهای منطقه فعالیت می‌کنند و نوع و دامنه فعالیت‌هایشان آنها را بیشتر به یک سازمان «تجاری» شبیه می‌سازد تا سازمانی جنایی.

نتایج پژوهش نشان داد فرایند قاچاق مهاجران به ایران در سه مرحله انجام می‌گیرد؛ در مرحله نخست، وظیفه اصلی قاچاق‌بران یافتن مشتری و سازمان‌دهی شرایط و وسایل سفر می‌باشد. همچنین، مهاجران معمولاً به دو شیوه قاچاق‌بران خود را پیدا می‌کنند: از طریق شبکه‌های فامیلی و دوستی یا رفتن به شهر زرنج که نقطه شروع مهاجرت‌های نامتعارف از افغانستان به سوی ایران است. در مرحله بعد، که مسیر مهاجرتی است، شبکه‌های قاچاق از شهر زرنج مهاجران را به سوی مرز پاکستان می‌برند و با عبور از مناطق تحت کنترل طالبان و ملیشا (شبه‌نظامیان غیردولتی) داخل خاک پاکستان می‌شوند و از آنجا با کمک شبکه‌های محلی از مرز ایران گذشته و به استان سیستان و بلوچستان وارد می‌شوند. پس از رسیدن به شهرهای مقصد در داخل ایران، تماس قاچاق‌بران با مهاجران قطع شده و ادغام آنها در جامعه مقصد توسط شبکه‌های فامیلی و دوستی مهاجران شکل می‌گیرد.

بنابراین، در نتیجه گیری از مقاله می‌توان گفت که قاچاق مهاجر از افغانستان به ایران فرایندی سودآور، چند مرحله‌ای و پیچیده است که در سطوح مختلف و با بازیگرانی گوناگون شکل می‌گیرد. بعلاوه، در فرهنگ و جامعه افغانستان، مهاجرت غیرقانونی نوعی استراتژی بقاء

بوده و در فرایند تحقق آن قاچاق‌بر نه تنها مجرم نبوده، بلکه به عنوان نیروی نجات دهنده، از منزلت اجتماعی برخوردار است.

از همین رو، سیاست‌گذاری در این حوزه بدون در نظر گرفتن این واقعیت پیشاپیش محکوم به شکست است. دولت افغانستان باید بیش از پیش عوامل دافعه در میان مردم افغانستان برای مهاجرت مد نظر قرار دهد تا تقاضا برای مهاجرت در کل را کاهش دهد و با اتخاذ سیاست‌هایی جهت افزایش فرصت‌های مهاجرت قانونی به ایران، تقاضا برای مهاجرت نامتعارف را کاهش دهد. با این حال، این سیاست‌ها بدون همکاری دولت ایران چندان مؤثر نخواهد بود. به عنوان مثال، یکی از کارهایی که برای افزایش فرصت مهاجرت‌های قانونی می‌توان انجام داد، بستن قراردادهای دوجانبه جهت اعزام کارگران فصلی از افغانستان به ایران است تا اینگونه نیروی کار اقتصادی افغانستان بتواند از مسیر قانونی و متعارف، بدون رویارویی با خطرات مسیر مهاجرتی نامتعارف، فرصت مهاجرت به ایران را داشته باشد.

منابع

- صادقی، رسول و محمدجلال عباسی‌شوازی (۱۳۹۵). بازگشت یا ماندن جوانان افغانستانی در ایران: دلایل و تعیین‌کننده‌ها، دوفصلنامه ایرانی مطالعات جمعیتی، شماره ۳، صص ۱۵۰-۱۱۹.
- عباسی‌شوازی، محمدجلال، رسول صادقی و عبدالله محمدی (۱۳۹۵). ماندن یا مهاجرت دوباره مهاجران بازگشته از ایران به کشورشان و عوامل تعیین‌کننده آن، نامه جمعیت‌شناسی ایران، دوره ۱۱، شماره ۲۱، صص ۴۰-۹.
- محمودیان، حسین (۱۳۸۶). مهاجرت افغان‌ها به ایران: تغییر در ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی و انطباق با جامعه مقصد، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، شماره ۴، صص ۴۲ - ۶۹.
- Abbasi-shavazi, M. J., and R. Sadeghi., (2015). Socio-cultural Adaptation of Second-generation Afghans in Iran, *International Migration* 53(6): 89-110.
- Antonopoulos, G. A. and J. Winterdyk (2006): The Smuggling of Migrants in Greece: An Examination of its Social Organization. *European Journal of Criminology*, 3(4): 439-461.
- Aronowitz, A. A. (2001). Smuggling and trafficking in human beings: The phenomenon, the markets that drive it and the organisations that promote it. *European Journal on Criminal Policy and Research*, 9, 163-195.
- Baird, Th. (2013): *Theoretical Approaches to Human Smuggling*. DIIS Working Paper, 2013:10.
- Bhabha, J. (2005). Human smuggling, migration and human rights. The International Council on Human Rights Policy. Working Paper, 25-26 July 2005.
- Bilecen, Basak (2009): *Human Smuggling Networks Operating Between Middle East and the European Union: Evidence from Iranian, Iraqi and Afghani Migrants in the*

- Netherlands, Working paper, Center on Migration, Citizenship and Development (62), University of Bielefeld.
- Bilger, V., Hofmann, M., & Jandl, M. (2006). Human smuggling as a transnational service industry: Evidence from Austria. *International Migration*, 44(4), 59-93.
 - Brolan, C. (2002): An analysis of the human smuggling trade and the Protocol Against the Smuggling of Migrants by Land, Air and Sea (2000) from a refugee protection perspective. *International Journal of Refugee Law*, 14(4).
 - Donato, K. M., Gabaccia, D., Holdaway, J., Manalansan, M., and P. R. Pessar (2006): A glass half full? Gender in migration studies. *International Migration Review*, 40(1):3-26.
 - Espenshade, T. J. (1995a): Unauthorized immigration to the United States. *Annual Review of Sociology*, 21, 195-216.
 - Espenshade, T. J. (1995b): Using INS border apprehension data to measure the flow of undocumented migrants crossing the U.S.-Mexico frontier. *International Migration Review*, 29, 545-565.
 - Gallagher, A. (2001): Human rights and the new UN protocols on trafficking and migrant smuggling: A preliminary analysis. *Human Rights Quarterly*, 23(4), 975-1004.
 - Gallagher, A. (2002): "Trafficking, Smuggling and Human Rights: Tricks and Treaties". *Forced Migration Review*, vol. 12.
 - Herman, E. (2006): Migration as a family Business: The role of personal networks in the mobility phase of migration. *International Migration*, 44(4): 191-230.
 - Hugo, Graeme, Mohammad Jalal Abbasi-Shavazi, and Rasoul Sadeghi, (2012). Refugee Movement and Development; Afghan Refugee in Iran, *Migration and Development*, 1(2): 261-279.
 - Icduygu, A. and S. Toktas (2002): How Do Smuggling and Trafficking Operate via Irregular Border Crossings in the Middle East? *International Migration*, Vol. 40(6): 25-54.
 - International Organization for Migration (2002): *Irregular Migration and Smuggling of Migrants from Armenia*, International Organization for Migration.
 - Koser, K. (2008): Why migrant smuggling pays. *International Migration*, 46:3-26.
 - Kyle, D. and R. Koslowski (2001): *Global Human Smuggling: Comparative Perspectives*. Baltimore and London: The Johns Hopkins University Press.
 - Kyle, D., & Liang, Z. (2001). *Migration Merchants: Human Smuggling from Ecuador and China*. University of California, San Diego: The Center for Comparative Immigration Studies.
 - Majidi, N. and R. Danziger (2016): Afghanistan. In: *Migrant Smuggling Data and Research: A Global Review of the Emerging Evidence*, International Organization for Migration, pp. 161-186.
 - Mandic, Danilo (2017): 'Trafficking and Syrian Refugee Smuggling: Evidence from the Balkan Route', *Social Inclusion* 5, no. 2, pp. 28-38.
 - Massey, D., & Singer, A. (1995). New estimates of undocumented Mexican migration and the probability of apprehension. *Demography*, 32(2), 203-213.
 - Mohammadi, A., M. J. Abbasi-Shavazi, and R. Sadeghi (2018): Return to home: Reintegration and sustainability of return to post-conflict contexts. In: *Demography of Refugees and Forced Migration* (G. Hugo, M. J. Abbasi-Shavazi and E. P. Kraly), Springer, pp. 251-270.
 - Mohammadi, Abdullah, Ruta Nimkar, and Emily Savage (2019): *We are the ones they come to when nobody can help: Afghan Smugglers' Perception of Themselves and Their Communities*. Migration Research Series, International Organization for Migration (IOM).

- Morrison, J., & Crosland, B. (2001). The trafficking and smuggling of refugees: The end game in European asylum policy? *New Issues in Refugee Research*, Working Paper No. 39, April 2001. UNHCR.
- Peixoto, J. (2009). New migrations in Portugal: Labour markets, smuggling and gender segmentation. *International Migration*, 47(3), 185-210.
- Salt, J. (2000): Trafficking and human smuggling: A European perspective. *International Migration*, 38(3), 31-56.
- Salt, J. and J. Stein (1997): Migration as a Business: The Case of Trafficking. *International Migration*, 35(4): 467-494.
- Schrover, M., Van der Leun, J., Lucassen, L., & Quispel, C. (Eds.). (2008). *Illegal Migration and Gender in a Global and Historical Perspective*. Amsterdam: Amsterdam University Press.
- United Nations (2000a): Protocol to Prevent, Suppress and Punish Trafficking in Persons, Especially Women and Children, Supplementing the United Nations Convention Against Transnational Organized Crime.
- United Nations (2000b) Protocol Against the Smuggling of Migrants by Land, Sea and Air, Supplementing the United Nations Convention Against Transnational Organized Crime.
- Van Liempt, I. (2007): *Navigating Borders: Inside Perspectives on the Process of Human Smuggling into the Netherlands*. Amsterdam: Amsterdam University Press.
- Vayrynen, R. (2003): *Illegal immigration, Human trafficking, and Organized crime*, WIDER Discussion Papers, World Institute for Development Economics (UNU-WIDER), No.2003/72.
- Vogel, D., Kovacheva, V., & Prescott, H. (2011). The size of the irregular migrant population in the European Union - Counting the uncountable? *International Migration*, 49(5), 78-96.
- Zhang, S. X. (2008). *Chinese Human Smuggling Organizations: Families, Social Networks, and Cultural Imperatives*. Stanford: Stanford University Press.
- Zhang, S. X., Chin, K. L., & Miller, J. (2007). Women's participation in Chinese transnational human smuggling: A gendered market perspective. *Criminology*, 45(3), 699-733.